

متن پرسش

سلام استاد: لطفا نظرتان را درباره متن زیر بفرمایید. شرایط تاریخی و هرمنوتیکی نوشتن کتاب آداب الصلاه توسط حضرت امام (رحمه الله علیه) همان طور که گفته شد کتاب آداب الصلاه در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی به قلم حضرت امام به نگارش درآمده است. در آن دوران شرایط تاریخی خاصی حاکم بوده است که به گوشه ای از آن اشاره می کنیم. این شرایط تاریخی باعث شده است که حضرت امام در آن فضا نوشته های خود از جمله کتاب آداب الصلاه را مطرح کنند و به مبارزه و تقابل با ظلمات دوران خود بپردازند. از جمله فرهنگ های غلطی که در آن دوران می توان مشاهده کرد قشری گرایی و ظاهر گرایی در دین است. همان طور که مستحضربید در دوران صفویه این روحیه به شدت قوت پیدا می کند و آخوند های قشری و ظاهرگرایی که در دربار وقت هم نفوذ داشته اند فعالیت شان را زیاد و زیاد تر می کنند تا جایی که موفق می شوند که ملاصدرا این حکیم الهی دوران را به جرم تاویل و باطن گرایی تبعید کنند و حجاب راهی که صدرا برای تمدن سازی طراحی کرده بود شوند. این روحیه ی تحجر و ظاهرگرایی با تغییر شکل و به انحاء گوناگون دیگر در دوران قاجار و پهلوی ظهور می کند در بین دینداران آن زمان تا به زمانی که حضرت امام در آن زیست می کرده اند می رسد و دامان گیر ایشان نیز می شود. همان چیزی که ایشان نمونه اش را در منشور روحانیت ذکر می کنند که روزی آقا مصطفی (فرزند ایشان) در مدرسه فیضیه از لیوانی که بر روی آب سردکن مدرسه قرار داشته آب می خورد و برخی از همین طلاب ظاهرگرا و سطحی نگر می آیند و لیوان ایشان را آب می کشند، و می گویند که چون پدر او فلسفه درس می دهد کافر و نجس است و خود او هم همین طور است و در لیوان نجس نباید آب خورد تا آب کشیده نشود. این نمونه هایی از روحیه ای است که در آن دوران وجود داشته و موجب سطحی و فردی شدن دین می شده است. در حالی که دین اسلام دینی عمیق و دارای باطن و کاملا فعال و اجتماعی است که این روحیه موجب به حجاب رفتن آن می شد. و حضرت امام با نوشتن کتاب آداب الصلاه با سیر از آداب ظاهری نماز به باطن و حقیقت نماز، نشان دادند در نماز که از مهمترین مناسک دینی ما است باید باطن و حقیقت نماز برای انسان به صحنه آید تا با رعایت آداب ظاهریه بتوان به مقام قرب حق و معراج روحانی نائل شد. و هر کس به اندازه ظرفیت خود باید بکوشد تا با رعایت دستورات شرعی به باطن و حقیقت دین راه یابد، که در این راه همان طور که حضرت امام در جای جای کتاب اشاره می کنند از طرفی فلسفه و عرفان اسلامی بسیار راهگشا و یاور خوبی است و از طرف دیگر ممارست و تمرین و تمرکز در دستورات شرعی. یکی دیگر از ظلماتی که در آن دوران وجود داشته است نگاه مفهومی و ذهنی به همه چیز از جمله حقایق داشتن است.

دوره ی قاجار دوره ی تجدد مآبی کشور ما است، یعنی در آن دوره، فرهنگ مدرنیته و غرب ورود جدی در کشور ما پیدا کرد و در ادامه در دوران پهلوی توانست ریشه های خود را محکم کند. یکی از مبانی اصلی فرهنگ غرب همین نگاه مفهومی داشتن به حقایق است. در این نگاه هر چیزی که در حیطه حس ما قرار بگیرد واقعیت خارجی دارد ولی آن دسته از حقایق که در ساحت حس ما قرار ندارند و مستوراند، فقط در ساحت ذهن ما قابل ادراک اند، نه اینکه واقعیت خارجی قابل انس و ارتباط داشته باشند. این نگاه که نگاه سوپرناتو به عالم و آدم است موجب می شود که حقایق در حجاب روند و دیگر نتوان به عنوان حقایقی قابل دسترس با آنها انس ارتباط پیدا کرد. حال این نوع تفکر حجابی است که در آن زمان به صورت ناخودآگاه بر فکر و روح مردم سایه افکنده است و حقایق ذهنی شده اند. و این امام بزرگوار است که این حجاب زمانه را درک می کند و در نقطه ی مقابل به تبیین خدای قابل انس و ارتباط می پردازد، و در کتاب آداب الصلاة دائماً اشاره به این دارند که مومن در نماز باید به معراج قرب خدای حی قیوم سمیع بصیر برسد و از طریق این معراج روحانی انس و ارتباط مستمر با خدای حقیقه الحقایق برقرار کند، نه اینکه فقط در حد اثبات خدا با هزار برهان ذهنی متوقف شود. اصلاً حضور قلب در نماز یعنی بتوانی خود را در محضر خداوند حس کنی، خدایی که کل عالم محضر اوست. این همان تاریخی جدیدی است که حضرت امام با نهضتی که با نوشتن کتاب های خود از جمله آداب الصلاة آغاز کردند، پدید آوردند. و دین عقلانی و معنوی و اجتماعی را احیا و به صحنه ی جامعه برگرداندند، در حالی که خیلی ها متوجه نبودند که چه اتفاقی دارد می افتد. همان طور که در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی حضرت امام نهضتی را شروع کردند که دین باید به همه مناسبت های فردی و اجتماعی برگردد و نه تنها در عرصه ی فردی حیات خود را ادامه دهد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده سخن درستی است و سایر آثار حضرت امام نیز به همین موضوع نظر دارد. موفق باشید